

بررسی و نقد کتاب سازمان‌های بین‌المللی

بهرام نوازنی*

محبوبه شریفی**، الهامه پایدار***

چکیده

سازمان‌های بین‌المللی نوشته سیدداوود آقایی منبع درسی دانشگاهی بالارزشی در زمینه سازمان‌های بین‌المللی و جزو نخستین کتاب‌های جامع و عمومی این حوزه است که دربرگیرنده نحوه شکل‌گیری و تاریخچه سازمان‌های بین‌المللی است. نویسنده با استفاده از دیدگاه تاریخی و جبرگرایانه تا اندازه بسیاری به تاریخ جامعه ملل پرداخته، اما نتیجه‌گیری مؤثری از این برداشت جبرگرایانه نکرده است. در این پژوهش، جامعه ملل و سازمان ملل متحد ذیل نگاهی بدبینانه، آلت دست قدرت‌های بزرگ معرفی شده است. یک فصل از کتاب با تفصیل و جزئیات بسیار به سیاست‌های ایران و سازمان ملل متحد اختصاص یافته و روابط این دو را با یکدیگر ارزیابی کرده است که با عنوان این کتاب ناسازگاری دارد. اطلاعات ارائه‌شده در کتاب یک‌دست نیست و در برخی موارد منبعی برای ادعاهای نویسنده ذکر نشده است. این مقاله علاوه بر نقایص محتوایی، نقاط قوت و ضعف این اثر در زمینه‌های شکلی، نگارشی، و متنی در توضیح، ترجمه، معادل‌سازی، و منبع را کشف و آشکار می‌کند و برای بازنگری در چاپ بعدی کتاب توصیه‌هایی ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: نقد، سازمان‌های بین‌المللی، منبع درسی، سازمان ملل متحد.

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین (نویسنده مسئول)،

info@navazeni.ir

** دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، mahbobe.sharifi@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی علوم سیاسی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، paydarelhameh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۶

۱. مقدمه

سازمان‌های بین‌المللی نوشته سیدداوود آقایی یکی از منابع مطرح دانشگاهی در ایران است و از اولین چاپ‌ها در ۱۳۸۲، که نام‌برده استادیار حقوق دانشگاه تهران بوده، تا ۱۳۹۱، که به دانشیاری و استادی این دانشگاه ارتقای درجه یافته، نه بار تجدید چاپ شده است. انتشارات نیکان چاپ اول این کتاب را با ۲۰۰۰ نسخه وارد بازار کرد، اما در سال‌های بعد نشر این کتاب به کتاب‌سرای عدالت واگذار شد. کتاب شامل ۴۰۰ صفحه است که پس از فهرست مطالب و پیش‌گفتار و مقدمه در ۶ فصل ارائه شده است. فصل اول در ۳۷ صفحه به ویژگی‌های کلی و مشترک و چهارچوب نظری سازمان‌های بین‌المللی، از جمله کلیاتی درباره سازمان‌های بین‌المللی اختصاص یافته، فصل دوم در ۲۹ صفحه به جامعه ملل از آغاز تا فرجام آن پرداخته، فصل سوم در ۹۹ صفحه به تشریح فعالیت سازمان ملل متحد از آغاز تاکنون پرداخته، فصل چهارم در ۴۰ صفحه به نقش سازمان‌های تخصصی و وابسته به سازمان ملل متحد پرداخته، فصل پنجم نیز در ۱۲۵ صفحه به تاریخ روابط ایران و سازمان ملل متحد از آغاز تشکیل این سازمان پرداخته، و فصل ششم در ۴۳ صفحه به سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای پرداخته و در پایان نیز یک پیوست، که همان منشور سازمان ملل است، و فهرست منابع و مآخذ آمده است. به این ترتیب، نویسنده در این کتاب، که عنوانش *سازمان‌های بین‌المللی* بوده، تلاش درخور توجهی کرده تا در کنار توضیح فعالیت دو سازمان بزرگ جهانی (جامعه ملل و سازمان ملل متحد) به سازمان‌های وابسته به سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز توجه کند.

این کتاب در ۱۳۹۱ و برای درس سازمان‌های بین‌المللی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) و دانشگاه شاهد به‌منزله منبع اصلی معرفی و در کلاس ارزیابی شد. در سال ۱۳۹۲ نیز به سفارش شورای بررسی متون در پژوهشگاه علوم انسانی نقد کامل آن در دستور کار قرار گرفت که ماحصل این ارزیابی از طریق مقاله حاضر در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد. امید است با این کار گامی در راستای ارتقای منزلت این اثر برداشته شود و دست‌اندرکاران و نویسنده گرانقدر این اثر را برای بازنگری آن ترغیب کرده باشد.

۲. نقاط قوت

این کتاب نقاط قوت فراوانی دارد؛ از جمله حجم مطالب کتاب که با محتوای کتاب و

درس‌های دانشگاهی در اندازه دو واحد هم‌خوانی و سازگاری دارد. این کتاب با برشمردن ویژگی‌های مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیرانتفاعی، غیردولتی، و میان‌دولتی کوشیده است رابطه مستقیمی میان آن‌ها برقرار کند. گرچه هدف اصلی این کتاب معرفی سازمان‌های بین‌المللی بوده، اما درباره جامعه ملل و سازمان ملل متحد دست به بررسی تطبیقی نیز زده و وجوه تمایز میثاق و منشور را برشمرده است و با رویکردی انتقادی به سازمان ملل متحد نگریده و برخی مواد منشور از جمله ماده ۳۹ را تفسیر کرده است. نویسنده هم‌چنین سازمان‌های تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد را به شکل موضوعی تفکیک و به سه دسته تقسیم کرده و با تخصیص فصل ششم به سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بین منطقه‌ای اطلاعات بیش‌تری در اختیار خوانندگان قرار داده است؛ به طوری که در مقایسه با نمونه‌های مشابه (موسی‌زاده، ۱۳۸۸؛ دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸) نقطه قوت به‌سزایی است. در واقع همین نقاط قوت است که آن را به منبعی مفید برای دانشجویان حقوق و علوم سیاسی تبدیل کرده و حتی دانشجویانی که علاقه‌مند به ادامه تحصیل در دوره کارشناسی ارشد باشند از مطالعه این اثر بی‌نیاز نیستند.

۳. نقاط ضعف

از آن‌جا که این کتاب پرمراجعه اشکالات متعددی دارد و در چاپ‌های مکررش نیز بازنگری نشده است، لازم است نخست نظر نویسنده و سپس نظر خوانندگان به نقاط ضعف این کتاب جلب شود و زمینه برای ارتقای جایگاه اثر و اصلاح اطلاعات و مطالبی که خوانندگان از آن استفاده می‌کنند فراهم شود. در این بخش کتاب در دو قسمت شکلی و محتوایی نقد و بررسی شده است.

۱.۳ ضعف شکلی

۱.۱.۳ طرح جلد

تصویری که برای روی جلد کتاب انتخاب شده بیانگر محتوای درونی کتاب نیست. طرح روی جلد شامل کره زمین است که با دو شاخه پربزرگ درخت زیتون احاطه شده است و از آن‌جا که هدف اصلی سازمان ملل متحد استقرار صلح و حفظ آن در سراسر جهان است، از درخت زیتون به‌منزله نماد صلح و از کره زمین به‌منزله نماد جهان استفاده شده است. این

دو نماد از ۱۹۴۷ در حکم نماد و پرچم سازمان ملل متحد به‌کار گرفته شده با این تفاوت که در نماد سازمان ملل کره زمین از قطب شمال ترسیم شده است و پنج مدار از طریق خطوط نصف‌النهار به هم متصل شده‌اند و قاره‌ها هم روی این مدارها به نمایش گزارده شده است (www.un.org)؛ اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، ۱۲۵ صفحه یا تقریباً یک سوم کتاب به ایران و فعالیتش در سازمان‌های بین‌المللی اختصاص یافته، در حالی که در طرح روی جلد هیچ اشاره‌ای به این موضوع نشده است.

۲.۱.۳ حروف‌نگاری

اغلاط املائی و دستوری بسیاری در میان واژگان فارسی و انگلیسی متن مشاهده می‌شود که انتظار می‌رفت پس از بارها تجدید چاپ اصلاح یا دست‌کم اصلاح‌نامه‌ای ارائه می‌شد. در جدول ۱ برخی از این اغلاط همراه با شکل صحیح پیش‌نهادی آن آورده شده است.

جدول ۱. جدول واژگان و عبارات نادرست

نشانی	نادرست	درست
ص ۱۹، بند ۶، خط ۱	بوژروازی	بوژروازی
ص ۲۱، بند ۵، خط ۳	عرف و سنن	عرف و سنت
ص ۲۲، خط ۲۵	ویلهم	ویلهم
ص ۲۶، پاورقی	Uunion	Union
ص ۳۰، بند ۲، خط ۲	تناسب مستقیم	تناسب معکوس
ص ۳۰، بند ۶، خط ۳	در آغاز سده جاری	در اواخر سده ۱۹
ص ۳۲، خط ۱	متغییری	متغیری
ص ۳۳، بند ۵، خط ۲	نظام جهانی	نظام بین‌المللی
ص ۳۵، بند ۴، خط ۴	بشره	بشر
ص ۳۶، بند ۳، خط ۶	Political Amony Nations	Politics Among Nations
ص ۳۶، بند ۵، خط ۳	انجمن‌های دولتی	انجمن‌های دوستی
ص ۳۸، بند ۷، خط ۳	حکومت قانونی	حکومت مشروطه
ص ۳۹، بند ۵، خط ۱	از طریق سازمان کل	از طریق سازمان ملل متحد
ص ۴۰، پاورقی	League of nalions	League of Nations
ص ۴۰، پاورقی	Kellogg-Briand treaty	Briand-Kellogg Treaty

منشر	منشر	ص ۴۱، بند ۲، خط ۴
Utopians	Uropeans	ص ۴۱، پاورقی
self-destiny	self desting	ص ۴۳، پاورقی
National Security	International secusity	ص ۴۶، پاورقی
جیمز دوئرتی	جیمز دوئرتی	ص ۴۹، پاورقی
Elements ... Power	Elenents ... Powe	ص ۵۰، پاورقی
Case Study	Casestudy	ص ۵۹، بند ۱، خط ۶
سازمان بین‌المللی بهداشت	سازمان بین‌المللی بهداشت عمومی	ص ۵۹، بند ۲، ث)
هرست میلر	هوست میلر	ص ۶۰، بند ۴، خط ۳
کنفرانس صلح پاریس ۱۹۱۹	کنفرانس صلح پاریس ۱۹۲۰	ص ۶۱، بند ۴، خط ۶
۱۹۳۲	۱۹۳۳	ص ۶۵، بند ۴، خط ۳
شان لستر	سن لستر	ص ۶۵، بند ۴، خط ۵
قاضی علی‌البدل	معاون قاضی	ص ۶۶، بند ۶، خط ۱
نقص	نقص	ص ۶۷، بند ۴، خط ۲
۱۹۳۸	۱۹۳۹	ص ۷۳، بند ۱، خط ۷
دیپلماسی آشکار	دیپلماسی جدید	ص ۷۶، بند ۵، خط ۱
به‌ویژه	پویژه	ص ۷۸، بند ۱، خط ۹
اوتوپایی	اوتوپایی	ص ۷۹، بند ۱، خط ۲
کارکرد جامعه ملل	ساختار جامعه ملل	ص ۸۱ تیتیر
۲۳ کشور	۳۲ کشور	ص ۸۱، بند ۴، خط ۶
ناتوان	ناتوان	ص ۸۲، بند ۲، خط ۳
نظام‌های	ناظم‌های	ص ۸۳، بند ۱، خط ۵
اصول انگلیسی - امریکایی آتلانتیک	اصول پیمان اقیانوس اطلس	ص ۸۶، بند ۳، خط ۵
Atlantic Charter	atkantic carter	ص ۸۶، پاورقی
برای تدوین منشور سازمان	برای ایجاد سازمان	ص ۸۷، بند ۱، خط ۱
رأی دادن	رای	ص ۸۷، بند ۴، خط ۱
۲۴ اکتبر	۲۶ اکتبر	ص ۸۸، بند ۳، خط ۱
۱۹ آوریل ۱۹۴۶	۳۱ ژوئیه ۱۹۴۷	ص ۸۸، بند ۳، خط ۳
زلاندنو	زولاندنو	ص ۸۸، پاورقی
هندوراس	هدوراس	ص ۸۸، پاورقی، -
تمامیت ارضی	تمامیت اراضی	ص ۹۱، خط ۱۹

میانیت/ مخالفت	میانیت	ص ۹۱، خط ۲۰
مجمع عمومی	مجامع عمومی	ص ۹۶، بند ۱، خط ۱
ارکان	ارگان	ص ۹۶، بند ۱، خط ۲
نشست عادی	جلسه عمومی	ص ۹۶، بند ۲، خط ۱
درباره نشست ویژه، ماده ۲۰ صراحت دارد	در مورد جلسات فوق‌العاده ماده ۱۶ صراحت دارد	ص ۹۶، بند ۳، خط ۱
Uniting for Peace Resolution	Alliance for peace Resolution	ص ۱۰۱، بند ۲، خط ۳
کشورهای امریکای لاتین و حوزه کاراییب	کشورهای امریکای لاتین	ص ۱۰۳، بند ۳، خط ۱
همان‌گونه که در ماده ۳۹	هماهنگونه که در ماده ۲۴	ص ۱۰۶، خط آخر
قیال	قابل	ص ۱۰۹، پاورقی، خط ۷
کشورهای غیر عضو مشروط بر این‌که	کشورهای غیر عضو بر این‌که	ص ۱۱۱، بند ۶، خط ۲
بند ۳ ماده ۱۱	بند ۳ از ماده ۳۵	ص ۱۱۱، بند ۷، خط ۱
۳۱ جولای ۱۹۹۴	اوت ۱۹۹۴	ص ۱۱۴، پاورقی
خطر	خاطر	ص ۱۱۵، بند ۳، خط ۴
Wright ... aggression	wright ... aggresspon	ص ۱۱۶، پاورقی
نتیجه نقض تعهدی	نتیجه تعهدی	ص ۱۱۷، بند ۲، خط ۴
مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای	شورای امنیت طی قطعنامه‌ای	ص ۱۱۷، بند ۴، خط ۱۴
Aggressive	Aggression	ص ۱۱۸، پاورقی
مواردی	موادی	ص ۱۱۹، بند ۲، خط ۴
بند ۴ از ماده ۲	بند ۵ از ماده ۲	ص ۱۱۹، بند ۳، خط ۳
۱۹۸۳	۱۹۸۲	ص ۱۲۰، بند ۳، خط ۵
رودزیای جنوبی	رو دریایی جنوبی	ص ۱۲۰، پاورقی، خط ۱
اعمال	از مال	ص ۱۲۰، پاورقی، خط ۳
387-March	385-mars	ص ۱۲۰، پاورقی، خط ۴
لسوتو	سوتو	ص ۱۲۰، پاورقی، خط ۶
مقابل	قابل	ص ۱۲۱، بند ۱، خط ۴
Legitimate Defense	Legitime defense	ص ۱۲۳، بند ۵، خط ۲
جهانی شدن	دولت جهانی	ص ۱۲۷، بند ۵، خط ۲
کاهش آثار فجایع طبیعی	فجایع طبیعی	ص ۱۲۸، بند ۵، خط ۳
مشخصات	مختصات	ص ۱۳۰، بند ۳، خط ۱

توجیه می‌کند	توصیه می‌کند	ص ۱۳۲، بند ۲، خط ۷
دستاوردهای	دستاورهای	ص ۱۳۲، بند ۲، خط ۷
لايه پايخت سياسي هلند	لايه پايخت هلند	ص ۱۳۶، بند ۱۰، خط ۲
ECOSOC	Ecosoc	ص ۱۳۷، تیتیر
فصل دهم	فصل نهم	ص ۱۳۷، بند ۴، خط ۱
بروندي	پروندی	ص ۱۳۹، بند ۳، خط ۳
ساموآی غربی	ساموآ	ص ۱۴۰، بند ۱، خط ۱
پالائو	جزایر اقیانوس آرام	ص ۱۴۰، بند ۱، خط ۳
۱۹۹۴	۱۹۹۱	ص ۱۴۰، بند ۱، خط ۴
Trygve Lie	Trigvelee	ص ۱۴۰، بند ۳، خط ۱۰
Dag Hammarskjold	Hammerskold	ص ۱۴۰، بند ۳، خط ۱۶
پانزدهمین نشست	بیستمین اجلاس	ص ۱۴۱، بند ۳، خط ۲
موارد	مواد	ص ۱۴۶، بند ۱، خط ۳
Uniting for Peace resolution	Allinace For Peace Resolution	ص ۱۵۰، بند ۳، خط ۱
UNEF I=United	UNEF=united	ص ۱۵۰، پاورقی
سازمان ملل در کنفرانس‌های متعدد	سازمان ملل کنفرانس‌های متعدد	ص ۱۵۱، بند ۳، خط ۱
Specialized	Spicialized	ص ۱۵۵، بند ۲، خط ۱
قراردادهایی	قراردادهایی	ص ۱۵۸، بند ۵، خط ۶
اسنادی حقوقی	اسنادی حقوقی	ص ۱۶۳، بند ۲، خط ۱
کمیته بین‌المللی هم‌کاری‌های فکری بود که در سال ۱۹۲۲	مؤسسه بین‌المللی هم‌کاری‌های فرهنگی بود که در سال ۱۹۲۵	ص ۱۶۳، بند ۳، خط ۲
۱۹۴۷	۱۹۴۸	ص ۱۶۴، بند ۴، خط ۱
صنعتی	صنی	ص ۱۶۵، خط ۱۰
Bretton Woods	Breton woods	ص ۱۶۶، بند ۲، خط ۳
۲۴ عضو	۲۰ عضو	ص ۱۶۶، بند ۲، خط ۷
اداری خارج	اداری خارجی	ص ۱۶۶، بند ۳، خط ۹
۲۵ عضو	بیست عضو	ص ۱۶۸، بند ۲، خط ۱۱
۲۰ عضو دیگر	پانزده عضو دیگر	ص ۱۶۸، بند ۲، خط ۱۳
۱۲۸ کشور جهان جامع‌ترین	۱۱۸ کشور جهان جامعه‌ترین	ص ۱۶۹، بند ۳، خط ۲
۱۸۷۵	۱۸۷۴	ص ۱۷۵، بند ۵، خط ۱
۱۹۴۷	۱۹۴۸	ص ۱۷۵، بند ۶، خط ۲

هر ۵ سال یکبار به طور عادی و برحسب ضرورت	بر حسب ضرورت	ص ۱۷۶، بند ۱، خط ۲
دفتر بین‌المللی	دفتر اتحادیه	ص ۱۷۶، بند ۲، خط ۱
با اختراع تلگراف برقی در ۱۸۳۷	با کشف تلگراف برقی در ۱۸۴۰	ص ۱۷۶، بند ۴، خط ۱
۱۸۶۵ اتحادیه بین‌المللی تلگراف	۱۸۶۰ اتحادیه تلگرافی بین‌المللی	ص ۱۷۶، بند ۴، خط ۳
ارتباطات	مخابرات	ص ۱۷۶، تیترو،
۱۸۶۵	۱۸۶۰	ص ۱۷۶، خط ۱۳
۱۹۳۴	۱۹۳۳	ص ۱۷۷، بند ۱، خط ۱
هر ۴ سال	هر ۵ سال	ص ۱۷۷، بند ۴، خط ۱
۱۸ دولت	۱۹ دولت	ص ۱۷۸، بند ۴، خط ۲
Civil	Civit	ص ۱۷۸، پاورقی
۳۶ نفر	۳۰ نفر	ص ۱۷۹، بند ۵، خط ۲
معاهده	معاهد	ص ۱۷۹، بند ۵، خط ۶
دستاوردهای	دستورهای	ص ۱۸۳، بند ۲، خط ۳
Security	Secnrity	ص ۱۸۴، بند ۵، خط ۱
در مواد ۷۵-۸۵	در ماده ۸۱	ص ۱۸۷، بند ۳، خط ۱
امریکا، شوروی، و چین نیز	آمریکا و شوروی	ص ۱۸۸، بند ۱، خط ۶
و صلاحیت قانونی	و فق صلاحیت قانونی	ص ۱۹۰، بند ۳، خط ۴
جامعه اروپایی ذغال سنگ و فولاد	مجتمع اروپایی فولاد و ذغال سنگ	ص ۱۹۰، بند ۴، خط ۲
انضباط	انضباط	ص ۲۰۵، خط ۷
جزایر	جوایز	ص ۲۴۷، خط ۲۲
مانع از	مانعی از	ص ۳۲۴، بند ۱، خط ۵
۱۳۵۵	۱۳۴۵	ص ۳۳۴، خط ۴
کامبوج ۱۹۹۹	کامبوج ۱۹۹۷	ص ۳۳۹، پاورقی
لائوس ۱۹۹۷	لائوس ۱۹۹۸	ص ۳۳۹، پاورقی،

۳.۱.۳ ارجاع و استناد

قصور نویسنده در بخش شکلی این کتاب شامل ارجاعات و استناداتش به منابع و مأخذ کتاب نیز می‌شود. نویسنده در برخی موارد برای اطلاعات و آمار اشاره‌شده منبعی معرفی نکرده و به‌اجمال و ذکر «برخی» بسنده کرده است که برای نمونه می‌توان به تردید «برخی ایدآلیست‌ها» اشاره کرد (ص ۳۸)، بی‌آن‌که نامی از آن‌ها برده شود. در جای دیگر

هم به نظر میترانی درباره «انشعاب»، که معادل بهتر برای آن در فارسی «سرریز شدن» است، اشاره می‌کند (ص ۵۳)، اما منبعی از میترانی ارائه نمی‌دهد. نویسنده در بررسی وضعیت اروپای پس از جنگ جهانی اول (ص ۵۶) نیز برای مستندات تاریخی اش منبعی ارائه نکرده است. در جای دیگر (ص ۱۴۴) نیز از زبان یکی از صاحب‌نظران مسابقه تسلیحاتی را تعریف کرده، اما این صاحب‌نظر را معرفی نکرده و توضیحی در این باره نداده است. در طرح گرومیکو (ص ۱۴۶) نیز فقط به اشاره اکتفا شده است و گرومیکو معرفی نشده و درباره این طرح توضیحی نداده است. همه این اظهارات علمی باید مستند به منابع تخصصی و موثقی باشند که خوانندگان علاقه‌مند قادر به مراجعه و راستی‌آزمایی باشند.

نویسنده در موارد بسیاری از عبارات‌های «تاکنون» و «در حال حاضر» برای ارائه اطلاعات استفاده کرده است؛ در حالی که از انتشار اولین چاپ کتاب ده‌ها سال گذشته است. برای مثال تعداد سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و منطقه‌ای از ۱۹۴۵ به بعد تا «حال حاضر»، که معلوم نیست چه زمانی است، نیز «بالغ بر ۵۰۰۰» معرفی شده است (ص ۱۴). تعداد سازمان‌های میان حکومت‌ها نیز به بیش از ۳۶۰ معرفی شده که بیش از نیمی از آن‌ها هم منطقه‌ای‌اند (ص ۲۷).

نویسنده در موارد متعددی در ارجاع صحیح به منابع دقت کافی نکرده است. برای مثال در پانوشت صفحه ۳۹ بی‌آن‌که قبلاً ارجاعی به جیمز دوئرتی و فالتزگراف داده باشد از عبارت «پیشین» استفاده کرده است. ارجاع به «همان» (ص ۵۱) هم اشکال دارد؛ زیرا به منبع بلافصل خود باز نمی‌گردد، بلکه باید به «مقتدر، همان» ارجاع داده می‌شد. ارجاع به «همان» (ص ۱۱۵) نیز درست نیست؛ زیرا باید به منبع فلسفی بازگردد و همه این‌ها موجب سردرگمی خواننده علاقه‌مند به مطالعه منابع می‌شود.

یکی از نکات ارزشمند در هر پژوهش علمی استناد به منابع تخصصی و رعایت امانت در نقل قول مطالب به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از منابع است. متأسفانه نویسنده در مواردی در این زمینه کوتاهی کرده است. برای مثال مطالب مربوط به واقع‌گرایان (ص ۴۵)، که از خط اول آغاز می‌شود، تا ارجاع شماره ۴، که به مقتدر (۱۳۷۲) استناد شده، عیناً از دوئرتی و فالتزگراف (۱۳۷۲: ۳۳) گرفته شده است که باید با استفاده از گیومه نقل قول مستقیم را نشان می‌داد. همین اتفاق در بند چهارم (ص ۴۶) نیز دیده شده و مطالب عیناً از (دوئرتی و فالتزگراف، همان: ۳۴) گرفته شده، بی‌آن‌که در داخل گیومه استنادی به آن شده باشد. مطالب دیگر (ص ۵۳) هم بدون رعایت نقل قول مستقیم از منبع دوئرتی و

فالتزگراف عیناً گرفته شده است؛ در حالی که در پانویست فقط به جیمز دوئرتی اشاره شده و از فالتزگراف چشم‌پوشی شده است. مطالب دو بند آخر صفحه ۸۳ تا انتهای صفحه ۸۴ نیز از صفحه‌های ۱-۲ زندفرد (۱۳۷۷) عیناً برگرفته شده، اما نه گیومه رعایت شده و نه ارجاعی داده شده است. مطلب بند آخر صفحه ۱۰۶ تا ارجاع اول از صفحه ۱۰۷ نیز عیناً از مقاله فلسفی (۱۳۷۲) نقل شده، اما گیومه آن رعایت نشده است. صفحه ۱۰۸، از بند ۴ تا انتهای صفحه ۱۰۹ نیز از همین مقاله برگرفته شده است، اما نه گیومه‌ای رعایت شده و نه ارجاعی داده شده است.

در جای جای کتاب می‌توان آمار و ارقام مختلفی را دید که هیچ مدرک و سندی برای صحت و سقم آن‌ها ارائه نشده است؛ از جمله: «بیش از ۸ میلیون نفر کشته شده‌اند و ناپدیدشدگان، به‌ویژه افراد سنین بیست - سی ساله هستند» (ص ۵۶) یا «در بین سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۹۰۹ تعداد کنفرانس‌های تشکیل شده از ۹ به ۱۰۲۸ افزایش یافت» (ص ۵۹) یا «در حال حاضر بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال صرف تولید سلاح می‌شود» (ص ۱۴۴) که مشخص نیست همه کشورهای در مجموع ۱۰۰۰ میلیارد دلار هزینه می‌کنند یا تک‌تک کشورها یا قدرت‌های بزرگ با هم. اگر کسی به رقم بودجه کشورهای آگاه نباشد با خواندن این متن گرفتار ابهامات بیش‌تری می‌شود.

نویسنده فقط در یک‌جا از مزیت جدول استفاده کرده (ص ۶۹)؛ در حالی که اطلاعات بسیاری، از جمله در حوزه‌های گوناگون برای انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت می‌توانست برای سهولت مطالعه درون جدول گنجانده شود (ص ۱۰۳)، اما در همان مورد هم اشکالات بسیاری وجود دارد: اول این‌که هیچ عنوانی برای جدول انتخاب نشده و دیگر این‌که در ردیف‌های جدول خط‌کشی مناسبی نشده است. نویسنده سه گروه A, B, C را معادل الف، ب، پ در نظر گرفته، اما در گروه الف علاوه بر بریتانیا فرانسه هم جای می‌گیرد که خط زیر بریتانیا باید به زیر فرانسه منتقل شود. گروه ب شامل سه کشور است؛ در حالی که در جدول فقط به دو کشور بریتانیا و بلژیک اشاره شده است. علاوه بر این دو باید به فرانسه هم با نواحی توگولند و کامرون اشاره می‌شد و برای بریتانیا فقط به تانگانیکا و برای بلژیک فقط به رواندا و برونیدی اکتفا می‌شد. در گروه پ نیز زلاندنو، ژاپن، استرالیا، بریتانیا، و اتحادیه آفریقای جنوبی قرار داشتند که ناحیه تحت قیمومت زلاندنو، ساموآی غربی است و ناحیه تحت قیمومت اتحادیه آفریقای جنوبی، آفریقای جنوب غربی یا نامیبیا بوده است نه غرب آلمان. شکل درست مطلب در جدول ۲ بازسازی شده است:

جدول ۲. کشورهای قیم و نواحی تحت قیمومت پس از جنگ جهانی اول

گروه‌های سه‌گانه	کشور قیم	ناحیه تحت قیمومت
گروه A	۱. بریتانیای کبیر	عراق فلسطین اردن
	۲. فرانسه	سوریه لبنان
گروه B	۱. فرانسه	دو سوم توگولند، پنج ششم کامرون
	۲. بریتانیای کبیر	نانگانیکا یک سوم توگولند یک ششم کامرون
	۳. بلژیک	رواندا بروندی
گروه C	زلاندنو	ساموآی غربی
	ژاپن	مارشال، مادیانا، پلو (جزایر آلمان)
	استرالیا	ناحیه تصیر، ویلهلم و مجمع الجزایر بیسمارک (گینه جدید)
	بریتانیا (استرالیا)	جزایر گیلبرت، ناوور و و سلیمان
	اتحادیه افریقای جنوبی	افریقای جنوب غربی (نامیبیا)

۴.۱.۳ اغلاط معادل‌یابی

نویسنده در یافتن و ارائه معادل‌های فارسی برای واژگان انگلیسی و عربی دقت کافی نکرده است. بسیاری از این واژگان در فارسی معادل‌های رایج و آشنایی دارند؛ در حالی که استفاده از واژگان نامأنوس موجب ابهام و اشکال در درک سریع مطالب شده است. جدول ۳ به برخی از این اغلاط پرداخته است.

جدول ۳. اغلاط معادل‌یابی

نشانی	واژه کتاب	واژه پیش‌نهادی
ص ۱۳، خط ۱۲	جدیدالاستقلال	تازه استقلال‌یافته
ص ۱۳، خط ۱۷	سلف	پیشین
ص ۱۴، خط آخر	بین‌الدولی	میان‌دولتی

بخشی، حوزه	دوثری	ص ۱۸، خط ۱
بنابراین	معذالک	ص ۲۱، خط ۳؛ ص ۳۶۲، خط ۱۰
نظری	تئوریک	ص ۲۹، خط ۶
اتخاذ شده	متخذہ	ص ۲۹، خط ۱۳
عاقلانہ است کہ	عقلانی این است	ص ۴۵، خط ۱۳
در کل	من حیث المجموع	ص ۴۵، خط ۱۳
چنگ زدن به، کمک جستن از	تمسک	ص ۴۵، خط ۱۹
پیوسته	لایتغیر	ص ۴۶، خط ۸
حوادث سریع / حوادث مستقیم	حوادث بلافاصله	ص ۴۶، خط ۱۸
مثال، نمونه، الگو	پارادایم	ص ۴۹، خط ۲
آرمان‌گرا	ایده‌آلیست	ص ۵۱، تیترا
واقع‌گرا	رنالیست	ص ۵۲، تیترا
هم‌کار	متعامل	ص ۵۴، خط ۱
مجارستان	هنگری	ص ۵۵، خط ۴
قلمرو، حکومت	دومینیون	ص ۶۲، خط ۱۱
شورای تولید	شورای قیمومت	ص ۶۸
رئیس‌جمهور	پرزیدنت	ص ۷۴، خط ۲۲
طبیعی است کہ	بالطبع	ص ۱۰۶، خط ۱۲
بیشتر موارد	غالب موارد	ص ۱۱۳، خط ۱۷
آشکارا بوده	محقق بوده	ص ۱۱۸، خط ۱۳
بنابراین	معهدا	ص ۱۳۳، خط ۸؛ ص ۱۹۱، خط ۳ و ۱۷
جدایی ناپذیر، تفکیک ناپذیر	لایتجزی	ص ۱۳۷، خط ۲
نام برده شده	فوق الذکر	ص ۱۴۰، خط ۳
از جمله، از قبیل	منجمله	ص ۲۳، خط ۵ از پایین؛ ص ۱۴۰، خط ۷
اما	لکن	ص ۱۵۱، خط ۴
نقش	رل	ص ۱۵۴، خط ۹
سازمان هوانوردی غیر نظامی	سازمان هوانوردی	ص ۱۶۰
سازمان بهداشت جهانی	سازمان جهانی بهداشت	ص ۱۶۴
سازمان خواروبار و کشاورزی	سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی	ص ۱۶۵
افزایش	ازدیاد	ص ۱۶۵، خط ۱۹

در آغاز	مقدمتاً	ص ۱۸۲، بند ۲، خط ۱
دستاورد	دستور (achievement)	ص ۱۸۳، خط ۱۱
به علاوه	مضافاً	ص ۱۸۸، خط ۵
تازه کشف شده	جدیدالاکشاف	ص ۲۳۵، خط ۱۵
دو مجلس	مجلسین	ص ۲۴۵، خط ۸
راهکار	مکانیسم	ص ۳۲۳، بند ۱، خط ۵
طولانی مدت	طول‌المدت	ص ۳۳۶، خط
از جمله	منجمله	ص ۳۳۶، خط

۲.۳ ضعف محتوایی

سازمان‌های بین‌المللی در بخش محتوایی هم اشکال‌ها و ایرادهای جدی دارد. این ضعف محتوایی را می‌توان در سه قسمت آشفته‌گی برداشت، تناسب نداشتن ساختار، ابهام مفهومی، و تناقض‌گویی طبقه‌بندی کرد.

۱.۲.۳ آشفته‌گی برداشت

نویسنده کتاب را برای دانشجویان علوم سیاسی نوشته است، اما رویکردی حقوقی، لیبرالی، و آرمان‌گرایانه را در پیش گرفته است. این موضوع با رویکرد عمومی دانشجویان علوم سیاسی دوگانگی دارد؛ زیرا دروس این رشته را عمدتاً با رویکردی سیاسی و مبتنی بر قدرت و منافع ملی و به‌طور کلی واقع‌گرایانه مطالعه می‌کنند. نویسنده در این رویکرد حقوقی خود به سازمان‌های بین‌المللی فقط به اساس‌نامه و مقررات سازمان و ساختار تشکیلاتی و وظایف و مسئولیت‌های حقوقی آن‌ها پرداخته است؛ در حالی که دانش‌پژوهان سیاسی با پیدایش و فعالیت موفق یا ناموفق سازمان‌های بین‌المللی، در پی به‌دست آوردن منافع اعضای مؤسس و عادی و چگونگی نفوذ به تشکیلات سازمان برای برخورداری از اختیارات بیش‌تر می‌شوند.

نویسنده حتی در تبیین این رویکرد حقوقی خود نیز دچار آشفته‌گی برداشت شده است؛ زیرا از یک‌سو سازمان‌های بین‌المللی را در نتیجه «نوعی وابستگی متقابل برای کشورهای جهان» دانسته و «به‌عنوان کارگزاران نظام بین‌المللی و مکانیسم‌های هم‌بستگی» موظف به تحقق «صلح جهانی» ارزیابی می‌کند (آقایی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۷) و از سوی دیگر، سازمان‌های بین‌المللی را در نتیجه «رشد و توسعه روابط بین‌المللی ارزیابی می‌کند که در نتیجه ثبات

استثنایی نظام توازن قدرت“ میسر شده است (ص ۲۸) و معتقد است کشورها ”با حفظ حاکمیت مطلق خود“ و به انتظار ”تأمین منافع دولت‌ها“ وارد این مؤسسات می‌شوند (ص ۲۹)؛ البته نویسنده در تلاش برای رفع این تعارض سازمان‌های بین‌المللی را گاه به تبعیت از جوزف فرانکل (۱۳۶۹: ۲۲۵-۲۵۱) دارای «نقش دوگانه» می‌داند و گاه هم آن‌ها را به دسته‌هایی تقسیم می‌کند که از جمله آن‌ها برخی مبتنی بر «سیاست قدرت» بوده‌اند (ص ۲۹-۳۱) و برخی دیگر «سازمان‌های کارکردی» اند (ص ۵۴).

حتی اگر به ترتیب و چیدمان چهارچوب‌های نظری نویسنده برای سازمان‌های بین‌المللی نیز توجه کنیم، وی نتوانسته به جمع‌بندی دقیقی برسد؛ زیرا بحث خود را به ترتیب تاریخی و با اندیشه آرمان‌گرایی در روابط بین‌الملل آغاز می‌کند و پس از طرح رویکرد واقع‌گرایی به رویکرد کارکردگرایی می‌رسد و از همین جاست که هم‌سو با دیوید میترانی و ارنست هاس از نظام بین‌المللی حمایت می‌کند که «در آن بازیگران همواره هماهنگ ساختن منافع خود و تحصیل عواید متقابل از قبل تعاملات خود را میسر می‌یابند» (ص ۵۴)، اما در عمل و به هنگام بررسی یکایک این سازمان‌های بین‌المللی از تشخیص منافع و عواید متقابل غفلت ورزیده است.

۲.۲.۳ تناسب نداشتن ساختار

کتاب با حدود ۴۰۰ صفحه در شش فصل سازمان‌دهی شده، اما فصل پنجمش، که به تاریخ روابط سازمان ملل و جمهوری اسلامی ایران پرداخته، با بیش از ۱۲۰ صفحه تقریباً حجمی برابر با سه فصل نخست درباره چهارچوب نظری، جامعه ملل، و سازمان ملل متحد دارد. از این رو، افزون بر تناسب نداشتن فصول، عنوان کتاب نیز با محتوای فصول سازگاری ندارد و بهتر است عنوان کتاب به «سازمان ملل متحد و ایران» تغییر یابد. در فصل اول (ص ۴۹) دو عنوان «آرمان‌گرایی در برابر واقع‌گرایی» و «مقایسه دیدگاه آرمان‌گرایان و واقع‌گرایان» (ص ۵۱) آمده است؛ در حالی که هر دو عنوان و محتوای مطالب ادامه آن دو شبیه هم بوده است و نیازی به تکرار نیست.

از نظر نویسنده، ضعف جامعه ملل ناشی از نارسایی‌های سیاسی، ساختاری، و حقوقی معرفی شده (ص ۷۹)، اما برای نارسایی‌های سیاسی قلم درشت‌تری به‌کار نرفته است. در بررسی روند شکل‌گیری سازمان ملل متحد نیز فقط برای «منشور آتلانتیک» قلم درشت‌تری به‌کار رفته (ص ۸۶) و برای دیگر مراحل شکل‌گیری این نکته رعایت نشده است. عنوان درشت «تلاش‌های انجام‌شده در زمینه خلع سلاح در دوران سازمان ملل متحد» (ص ۱۴۵)

نیز حاکی از این است که گویی عمر سازمان ملل هم چون جامعه ملل به سر رسیده و سازمان دیگری جانشین آن شده است که بهتر است به صورت «تلاش‌های سازمان ملل برای خلع سلاح» تغییر یابد که کوتاه‌تر نیز است.

در فصل ششم، که به سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بین منطقه‌ای پرداخته شده، دو زیر فصل به آر.سی.دی و اکو اختصاص یافته است که این دو عنوان مربوط به یک سازمان است و باید در یک زیر فصل به تغییر نام سازمان اشاره می‌شد، اما تعجب‌انگیزتر از همه این است که از بزرگ‌ترین سازمان اقتصادی کشورهای جهان سوم، که نقش مهمی را در بخش انرژی جهان برعهده دارند، یعنی اوپک، در این کتاب سخنی به میان نیامده است. اوپک برای ایران، که به درآمدهای نفتی‌اش بیش از ۸۰ درصد وابستگی دارد، بسیار مهم است و شناخت این سازمان اطلاعات پرکاربردی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. درباره اتحادیه اروپا هم، که نقش مهمی در جامعه اروپا، به‌ویژه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اقتصادی آن دارد توضیحات بسیار کم است و قانع‌کننده نیست.

۳.۲.۳ ابهام مفهومی

نویسنده در بخش‌هایی از کتاب یا اطلاعاتی ارائه نکرده یا در صورت ارائه اشتباه و ناقص یا گمراه‌کننده بوده است. مثلاً از نظر نویسنده، میان اتریش، هنگری (ص ۵۵) یا اتریش و مجارستان (ص ۵۵) یا اتریش، مجارستان (ص ۵۷) هیچ تفاوتی وجود ندارد و خواننده به اشتباه می‌افتد که این‌ها دو یا سه کشور بوده باشند؛ در حالی که هنگری همان مجارستان است و پس از شورش‌های مجارها در اواخر قرن نوزدهم، که منجر به فرار مترنیک صدراعظم امپراتوری اتریش شد، نام این امپراتوری را به اتریش - مجارستان تغییر دادند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴). نویسنده به «بحران اخلاقی» اروپا پس از جنگ جهانی اول اشاره کرده (ص ۵۷)، اما درباره اخلاق پیش از جنگ اروپا هیچ توضیحی نداده است.

نویسنده هم‌چنین درباره آزادی خروج اعضای جامعه ملل از این سازمان شرایطی را به موجب بند ۳ از ماده ۱ میثاق برشمرده (ص ۶۲)، اما درباره ورود مجدد یا اخراج کشورها، که در دوره جامعه ملل فقط یک‌بار اتفاق افتاد (قائم مقام فراهانی، ۱۳۸۸: ۶۳)، توضیحی نداده است و درباره اختیارات مجمع، که به سه گروه اختیارات به هم پیوسته، اختیارات خاص، و اختیارات مشترک با شورا تقسیم شده نیز توضیحی نداده است (ص ۶۳). نویسنده در بررسی اعضای شورای جامعه ملل نیز از ذکر اعضای نیمه‌دائم غفلت کرده است (ص ۶۴). در این سال‌ها شورای جامعه ملل اعضای نیمه‌دائمی هم داشت که هر سه

سال یک‌بار انتخاب می‌شدند. این نوع عضویت به‌دلیل دو کشور لهستان و اسپانیا بود که با عضویت آلمان مخالف بودند؛ بنابراین این کشورها عضویت نیمه‌دائمی یافتند و پس از چندی چین نیز موفق به کسب این عنوان شد (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۰). اگرچه سال‌ها از عمر جامعه ملل گذشته و نیازی به پرداختن موشکافانه به آن نیست، اما از آن‌جا که این جامعه اولین نوع از سازمان‌های فراگیر و جهانی بوده و زیربنای سازمان ملل متحد است، بهتر بود به جزئیات بیش‌تری مثل تعداد اعضای شورا و افزایش تعداد آن تا ۱۹۳۳ به ۱۰ نفر و در ۱۹۳۶ به ۱۱ نفر و دلایل آن و اختیارات شورا هم اشاره‌ای می‌شد (همان). هم‌چنین توضیح مبسوطی دربارهٔ دبیرخانهٔ جامعه ملل و دبیرکل‌های آن لازم به‌نظر می‌رسد و این‌که تاریخ کناره‌گیری سراریک دراموند در ۱۹۳۳ درست نیست (ص ۶۵)، بلکه وی در ژانویهٔ ۱۹۳۲ کناره‌گیری کرد و در ۱۹۳۳ ژوزف انول روی کار آمد (موسی‌زاده، ۱۳۸۸: ۹۲). اشتباه دیگر نویسنده در زمینهٔ آغاز جنگ جهانی دوم و سقوط جامعه ملل و از میان رفتن دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری است (ص ۶۸)؛ در حالی که در این زمان فعالیت دیوان متوقف شد و با تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری در ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ وظایفش به دیوان جدید محول شد. نویسنده در توضیح توفیق نیافتن جامعه ملل در اوایل کارش به‌اشتباه مدعی شده که اتحاد شوروی و آلمان از این سازمان اخراج شده بودند (ص ۷۱)؛ در حالی این دو کشور هم‌چون ایالات متحدهٔ آمریکا از آغاز به عضویت جامعه درنیامده بودند و اخراج آن دو کشور مربوط به اواخر فعالیت جامعه ملل است.

نویسنده سال تأسیس سازمان ملل متحد را ۲۶ اکتبر ۱۹۴۵ ذکر کرده (ص ۸۸)؛ در حالی که تاریخ ۲۴ اکتبر درست است (دفتر هماهنگ‌کنندهٔ سازمان ملل متحد، ۱۳۸۸: ۳). هم‌چنین نویسنده در به‌کارگیری تفاوت در نام‌گذاری ارکان جامعه ملل و سازمان ملل هیچ دقتی نکرده است. وی در بخش مربوط به جامعه ملل (ص ۶۲) بارها از مجمع عمومی به‌منزلهٔ رکن تصمیم‌گیری جامعه ملل یاد می‌کند؛ در حالی که نام درست این رکن مجمع بوده است. در مقابل در بخش مربوط به سازمان ملل (ص ۱۷۹) از این رکن تصمیم‌گیری، که مجمع عمومی است، با عنوان مجمع یاد کرده است. همین مسئله دربارهٔ کمیسیون دائمی قیومیت نیز اتفاق افتاده و وی در جای جای کتاب از آن با عناوین متفاوتی هم‌چون شورای دائمی قیومیت (ص ۶۸) و شورای قیومیت (ص ۱۴۰) نام برده است. در انواع کمیته‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز به‌اشتباه آن‌ها را کمیسیون‌های شش‌گانهٔ مجمع (ص ۹۷-۹۸) نامیده است. اشتباه دیگر نویسنده در همین زمینه ترتیب این کمیته‌هاست که کمیتهٔ سیاسی را به‌اشتباه کمیسیون اول و کمیسیون چهارم را کمیسیون

قیمومیت برشمرده (ص ۹۸)؛ در حالی که، کمیته اول کمیته خلع سلاح و امنیت بین‌المللی نام دارد و کمیته چهارم کمیته استعمارزدایی و سیاسی ویژه (دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد، ۲۰۰۸). همین بی‌تفاوتی شامل دو عنوان رکن و ارگان نیز شده است و نویسنده در جای جای کتاب (ص ۶۲، ۹۵، ۱۰۱، ۱۳۶، ۱۵۱، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۸) ارکان اصلی سازمان را به غلط ارگان اصلی یا شش ارگانیزم نام برده است. نویسنده در بخش اختیارات مجمع عمومی سازمان ملل متحد (ص ۱۰۱) نیز اختیارات مجمع عمومی را به پنج بخش تقسیم کرده که اگر به قطع‌نامه اتحاد برای صلح نیز توجه می‌شد، می‌توانست اختیار مجازات را نیز به آن اضافه کند.

در برگردان نام ارکان سازمان ملل متحد و نام دیگر سازمان‌های بین‌المللی نیز بی‌توجهی آشکاری صورت گرفته و از دیوان بین‌المللی دادگستری در جایی با نام دیوان بین‌المللی (ص ۱۱۰) و در جای دیگر با نام دیوان دادگستری (ص ۱۳۷) یاد شده است. سازمان تجارت و توسعه نیز با عنوان سازمان توسعه و تجارت (ص ۱۵۳)، گروه بانک جهانی با عنوان خانواده بانک جهانی (ص ۱۵۹)، سازمان آموزشی ... یونسکو با عنوان سازمان تربیتی، ... (ص ۱۶۰)، بازسازی و توسعه با عنوان ترمیم و توسعه (ص ۱۶۲) و ذغال سنگ و فولاد با عنوان ذغال و فولاد (ص ۳۴۲) ترجمه شده است که برخلاف نام‌گذاری رایج و مشهور این سازمان‌ها در فارسی است.

نویسنده به‌اشتباه سال استقلال سرزمین‌های تحت قیمومت آمریکا در اقیانوس آرام را ۱۹۹۱ نوشته است (ص ۱۴۰)؛ در حالی که آخرین این سرزمین‌ها پالائو بود که در ۱۹۹۴ به استقلال رسید. تعداد وتوهای آشکار و رسمی اعضای دائمی شورای امنیت نیز آن‌چنان که نویسنده گزارش کرده است (ص ۱۰۹) بسیار قدیمی است، البته تارنمای سازمان ملل متحد (www.un.org) و توها را به تفکیک هر سال ارائه کرده است که با اندکی صرف وقت می‌توان اطلاعات به‌روزشده‌ای را به‌دست آورد. به گزارش دایرةالمعارف ویکی‌پدیا (www.wikipedia.org) تعداد این وتوها تا ۲۰۰۸، به‌ترتیب با ۲۴۵ بار از طرف روسیه، ۱۴۵ بار از طرف ایالات متحده، ۶۰ بار از طرف بریتانیا، ۳۲ بار از طرف فرانسه، و ۱۲ بار از طرف چین دسته‌بندی شده است.

همین اطلاعات اندک و گاهی گمراه‌کننده درباره مؤسسات تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد بسیار چشم‌گیر است. فقط یک تقسیم‌بندی ساده و اطلاعاتی تاریخ مصرف گذشته در حد نیم تا یک صفحه کافی به‌نظر نمی‌رسد؛ زیرا اختلاف آشکاری با اطلاعات جدید آن‌ها دارد. مثلاً نویسنده بدون هیچ توضیحی مؤسسات پولی را فقط نام می‌برد و در

این نام‌گذاری بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه را در معادل انگلیسی با بانک جهانی یکی انگاشته و به‌درستی به تقسیمات این مؤسسات پولی نپرداخته است (ص ۱۶۰)؛ در حالی که این مؤسسات شامل چهار مؤسسه وابسته به سازمان ملل متحد شامل ۱. صندوق بین‌المللی پول، ۲. گروه بانک جهانی، ۳. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی، و ۴. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد است و بانک جهانی نیز خود به‌تنهایی یک گروه شامل بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه و پنج مؤسسه دیگر بانک بین‌المللی بازسازی و توسعه، شرکت مالی بین‌المللی، انجمن توسعه بین‌المللی، مرکز بین‌المللی حل و فصل و اختلافات سرمایه‌گذاری و اداره تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه است که به‌ترتیب در سال‌های ۱۹۴۵، ۱۹۵۶، ۱۹۶۰، ۱۹۶۶، ۱۹۸۸ تأسیس شدند. افزون بر این، تفاوت میان این گروه و صندوق بین‌المللی پول و ارکان هر یک از این دو نیز اهمیت بالایی دارد و انتظار می‌رفت نویسنده به تحولات فعالیت متفاوت این مؤسسات هم توجه می‌کرد. برای مثال نویسنده به سهم ایالات متحده آمریکا در گروه بانک جهانی به میزان ۲۵ درصد اشاره می‌کند (ص ۱۳۳)؛ در حالی که این میزان سهم از سال ۲۰۱۲ به ۲۲ درصد، یعنی ۶۱۸ میلیون دلار برای بودجه دوسالانه جاری بانک کاهش یافته است. ترتیب سهام‌داران بزرگ صندوق بین‌المللی پول نیز به‌طوری که نویسنده نقل کرده است (ص ۱۶۶ و ۱۶۸) درست نیست؛ زیرا در حال حاضر بزرگ‌ترین سهم در سرمایه صندوق به‌ترتیب از آن آمریکا (۱۶/۷۵٪)، ژاپن (۶/۲۳٪)، آلمان (۵/۸۱٪)، انگلیس و فرانسه (هر یک ۴/۲۹٪) است.

درباره یونسکو هم همین اطلاعات غلط و به‌روزشده مشاهده شد (ص ۱۶۴). ایالات متحده به‌علت مواضع مستقل یونسکو از دادن سهمش خودداری کرد و در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ از آن سازمان خارج شد و تا سال ۲۰۰۳ به آن بازنگشت. این اشکال درباره «سازمان کنفرانس اسلامی» (ص ۳۲۳) نیز وجود دارد که باید به‌روز شود. این سازمان در ۷ تیر ۱۳۹۰ در سی و هشتمین اجلاس خود در قزاقستان به «سازمان همکاری اسلامی» تغییر نام داد و تعداد اعضای آن نیز تا ۲۰۱۴ به ۵۷ کشور، از جمله دو کشور سورینام و گویان از حوزه آمریکای لاتین و ۵ دولت ناظر افزایش یافت (www.oic-oci.org). طبیعی است که دبیر کل این سازمان نیز در این مدت تغییر کرده است و اکمل‌الدین احسان اوغلو از ترکیه از ۲۰۰۵ تا اول ژانویه ۲۰۱۴ بر مسند دبیر کلی این سازمان قرار داشت و از آن پس ایاد امین مدنی به این سمت برگزیده شد. مهم‌تر این‌که «سازمان آزادی‌بخش فلسطین» آن‌چنان که نویسنده مدعی است (ص ۳۲۹) عضو این سازمان نیست، بلکه «دولت فلسطین» درست است. هم‌چنین اتحادیه کومور را هم باید به فهرست کشورهای عضو سازمان افزود.

از آنجا که کتاب در ۱۳۸۲ برای نخستین بار به چاپ رسید، شاید اشکال چندانی به اطلاعات آن زمان نتوان گرفت، اما این که در مدت ده سال، بی آن که به تحولات بی شمار سازمان های بین المللی اندک توجهی شود، برای نه بار بدون هیچ اصلاحات و اضافاتی تجدید چاپ شود جای تعجب است. تعداد اعضا و بسیاری دیگر از ویژگی های سازمان های بین المللی در این مدت تغییر کرده است؛ از جمله در ۲۰۱۳ تعداد اعضای اتحادیه بین المللی مخابرات از راه دور (ص ۱۷۶) به ۱۹۲ عضو، اعضای ایکائو (ص ۱۷۸) به ۱۹۱ عضو، اعضای کمیسیون هوانوردی بین المللی (ص ۱۸۰) به ۱۵ عضو و اعضای شورای دائمی ساختار تشکیلاتی سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ص ۱۷۹) به ۳۶ عضو افزایش یافته است.

شاید از همه ناگوارتر بتوان بی دقتی در معرفی «موافقت نامه گات» و «سازمان تجارت جهانی» (ص ۱۷۲) را بیان کرد. با وجود تفاوت میان «موافقت نامه گات» و «سازمان تجارت جهانی»، نویسنده از گات با عنوان سازمان یاد کرده است. در ۱۹۹۵، که این موافقت نامه به سازمان ارتقا یافت، نام آن هم به «سازمان تجارت جهانی» تغییر کرد و تعداد اعضای آن نیز تا ۲۶ ژوئن ۲۰۱۴ به ۱۶۰ دولت عضو دائمی و ۲۴ دولت عضو ناظر (از جمله جمهوری اسلامی ایران) و بسیاری سازمان های بین المللی دیگر افزایش یافت (www.wto.org)؛ در حالی که کتاب هم چنان بر «در حال حاضر گات دارای ۱۷۹ عضو است» تأکید می کند (ص ۱۷۲). در جای دیگر (ص ۱۷۴) نیز به اشتباه آمده است «کشورهای عضو گات بیش از ۹۰ درصد تجارت جهان را در اختیار دارند». گذشته از این که باید از کشورهای عضو سازمان جدید تجارت جهانی یاد شود، مشخص نیست که منظور نویسنده چه سالی بوده است، زیرا با افزایش اعضا به ۱۵۹ عضو و گذشت زمان حتماً این مقدار تغییر کرده است.

۴.۲.۳ تناقض گویی

نویسنده در پیش گفتار کتاب ادعا کرده که این کتاب اولین کتاب جامع در زمینه سازمان های بین المللی است، اما اگر چاپ نخست این کتاب در سال ۱۳۸۲ را نیز در نظر بگیریم، چهار سال پس از سازمان های بین المللی نوشته موسی زاده (۱۳۷۸) به بازار آمده است (www.nlai.ir).

نویسنده از یک طرف اظهار می کند که سازمان ملل متحد «پس از جنگ جهانی دوم با استفاده از تجربیات جامعه ملل» بنیاد نهاده شده است (ص ۲۸)، اما هنوز جمله اش را تمام نکرده است مدعی می شود که این بنیاد با «نادیده گرفتن ضعف های آن» بنا شده است؛ در

حالی که واقعیت این تأسیس برای استفاده از تجربیات جامعه ملل به‌منظور برطرف کردن ضعف‌های آن بوده و نمونه بارزش تفکیک مسئولیت شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و اعطای امتیاز و تو به پنج عضو دائم شورای امنیت آن است.

نویسنده دربارهٔ وتوی پنج عضو دائمی شورای امنیت معتقد است که این یک حق است، اما نظر خود را به‌صراحت بیان نکرده که این حق به نادرستی اعطا شده است یا به درستی. وی معتقد است که این حق موجب شده است «شورای امنیت، که وظیفهٔ اصلی اش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، بارها فلج» شود (ص ۱۰۴) و در جای دیگر می‌نویسد این «حق رأی ممتاز، گرچه از نظر اصولی انتقادپذیر است، ولی از نظر واقع‌گرایی سیاسی توجیه‌پذیر به‌نظر می‌رسد» (ص ۱۰۹). این بدین معنی است که واقعیت ایجاب می‌کند که شورای امنیت در عمل نتواند در وظایفش توفیقی به‌دست آورد. این وضعیت نامعلوم در سراسر کتاب دیده می‌شود؛ به‌طوری که در کنار نقد سرسختانهٔ نویسنده به سازمان ملل متحد و جامعه ملل، نویسنده در قسمت ارزیابی سازمان ملل یا موفقیت‌های جامعه ملل به برشمردن موفقیت‌های این سازمان‌ها می‌پردازد و چنین به‌صراحت می‌نویسد: «صدور حکم کلی و قطعی دربارهٔ درجهٔ موفقیت یا شکست سازمان‌های بین‌المللی در قرن بیستم کاری ناصحیح است» (ص ۱۸۳).

نویسنده دربارهٔ سرنوشت دیوان دائمی دادگستری در حکم یکی از ارگان‌های جامعه ملل نیز دچار تناقض‌گویی شده است. وی یک‌بار مدعی شده «با آغاز جنگ و سقوط جامعه ملل این دادگاه از میان رفت» (ص ۶۸) و در جای دیگر اظهار می‌کند که «با شروع جنگ جهانی دوم قضات دیوان دائمی از مقر دیوان - لاهه - خارج شده و در طول جنگ در ژنو مستقر شدند» (ص ۱۶۸)، گو این‌که هیچ وقفه‌ای در کار دیوان حاصل نشده باشد؛ در حالی که در واقع همان‌طور که پیش‌تر نیز آمده است، با آغاز جنگ دوم و با سقوط جامعه ملل فعالیت این دادگاه متوقف شد و وظایف آن به دیوان بین‌المللی دادگستری، که در ۱۹ آوریل ۱۹۴۶ تأسیس شد، محول شد و تاکنون نیز به فعالیتش ادامه داده است. مجمع عمومی، شورای امنیت، و شورای اقتصادی - اجتماعی نیز هریک ارکان فرعی متعددی دارند؛ در حالی که سه رکن دیگر فاقد رکن فرعی‌اند. نویسنده به ارکان فرعی مثل کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیسریای عالی ملل متحد برای پناهندگان اشاره‌ای نکرده است.

در گروه کشورهای افریقایی نیز در تعداد این کشورها تناقض وجود دارد؛ در یک‌جا تعداد این کشورها را ۱۷ ذکر کرده (ص ۳۲۵)؛ در حالی که تعداد کشورهای نام‌برده‌شده در

همین صفحه ۲۰ کشور است؛ البته اطلاعات درست و به‌روز می‌گوید که زنگبار (تانزانیا) و موریتانی را باید از آن حذف کرد و ساحل عاج را به آن افزود تا تعداد این گروه به ۱۹ کشور برسد.

۴. نتیجه‌گیری

کتاب از نظر شکلی (املائی و دستوری)، ساختاری، و محتوایی اشکالات فراوانی دارد که توصیه می‌شود هرچه زودتر بازنگری و اصلاح شود. اشتباه در حروف‌نگاری در برخی مواقع تشخیص داده می‌شوند، اما این قبیل اشتباه‌ها در تاریخ و نام تشخیص داده نمی‌شوند. از این مهم‌تر، اغلاط و ویرایشی و دستوری است که جمله‌ها را مبهم و پیچیده کرده است. برخی عناوین و موضوعات با عنوان اصلی کتاب ارتباطی ندارد و مهم‌تر از همه این‌ها اختصاص بیش از یک سوم کتاب به تاریخ روابط ایران با سازمان ملل متحد است که موجب شده این منبع را از سرفصل‌های مصوب برای درس سازمان‌های بین‌المللی دور کند. با وجودی که نویسنده علت ارائه نکردن برخی اطلاعات را حجم زیاد کتاب دانسته است، اما بهتر بود به جای پرداختن به گذشته روابط ایران با سازمان ملل متحد به ارتباط کنونی جمهوری اسلامی ایران با ارکان، دوایر، و اداره‌های گوناگون زیرمجموعه آن، مانند یونسکو، آنکتاد و آکسفام، که در ایران هم شعبه و دفتر دارند، پرداخته و مزایای این فعالیت روزافزون را یادآور می‌شد.

از این گذشته، به دلیل به‌روز نبودن اطلاعات ارائه‌شده درباره سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های وابسته به خانواده ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای و گاهی ارائه اطلاعات غلط درباره این سازمان‌ها، خوانندگان برداشتی نادرست و غیرواقع کرده‌اند و در مفید بودن فعالیت‌های بین‌المللی تردید می‌کنند. رویکرد نویسنده به سازمان‌های بین‌المللی نیز به‌گونه‌ای که در این کتاب نمود یافته است با رویکرد رایج در رشته علوم سیاسی به‌ویژه در مقطع کارشناسی ارشد تناسب چندانی ندارد. بیش‌ترین نقدی که می‌توان به این کتاب وارد کرد رویکرد بدبینانه و ناامیدانه نویسنده است. برخلاف ترجیح صوری نویسنده درباره رویکرد کارکردگرایانه میترانی، آنچه از رویکرد شخصی نویسنده از تشکیل جامعه ملل و سازمان ملل متحد و توضیح ارکان و بررسی عملکرد همه سازمان‌های بین‌المللی می‌توان دریافت این است که نویسنده سازمان‌های بین‌المللی را ابزار دست کشورهای قدرتمند به‌ویژه آمریکا و بریتانیا دانسته و امیدی به اصلاح این روند ندارد.

منابع

- آقایی، سیدداوود (۱۳۹۱). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: سرای عدالت.
- دفتر هماهنگ‌کننده سازمان ملل متحد در ایران و مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران (۱۳۸۸). *سازمان ملل متحد در دنیای امروز*، ترجمه علی ایتاری کسمایی، تهران: آبارون.
- دوثرتی، جیمز و رابرت فالتزگراف (۱۳۷۲). *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- زندفرد، فریدون (۱۳۷۷). *ایران و جامعه ملل*، شیراز: پژوهش.
- عباس‌زاده خرمشاهی، ملیحه (۱۳۹۱). *روابط بین‌الملل*، قم: مؤسسه فرهنگ و اطلاع‌رسانی تبیان.
- فرانکل، جوزف (۱۳۶۹). *روابط بین‌الملل در جهان متغیر*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فلسفی، هدایت‌الله و ابراهیم بیک‌زاده (۱۳۷۲). «گاه‌شمار حقوق و روابط بین‌الملل در دهه ۱۹۹۰»، *مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی*، ش ۱۱-۱۲.
- قائم مقام فراهانی، عبدالمجید (۱۳۸۸). *حقوق بین‌الملل سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: دادگستر.
- مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۲). *سیاست خارجی و سیاست بین‌المللی*، تهران: مفرس.
- موسی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). *سازمان‌های بین‌المللی*، تهران: سرای عدالت.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۴). *تحولات روابط بین‌الملل از کنگره وین تا امروز*، تهران: قومس.

www.wto.org/english/thewto_e/whatis_e/tif_e/org6_e.htm, retrieved at December 4, 2014

www.en.wikipedia.org/wiki/United_Nations_Security_Council_veto_power#Most_recent_veto_per_country, retrieved at December 4, 2014

www.nlai.ir, retrieved at December 4, 2014

www.oic-oci.org/oicv2/states/, retrieved at December 4, 2014

www.un.org/Depts/dhl/maplib/flag.htm, retrieved at December 4, 2014